



امنیت عراق هشدار داد. این در حالی است که صباح العکیلی تحلیلگر عراقی هم در خصوص این جریان و اتفاقات رخ داده در این حوزه گفت: حمله اخیر به نیروهای حشد الشعبی در مرز عراق با سوریه در راستای طرح آمریکا و رژیم صهیونیستی برای گشودن روزنه‌هایی به منظور ورود داعشی‌ها به اراضی عراق است.

### تحركات مشکوک نظامیان آمریکایی در نوار مرزی عراق و سوریه

برخی منابع از تحركات گسترده و مشکوک ارتش آمریکا در نوار مرزی عراق و سوریه خبر دادند و آن را سوال برانگیز توصیف کردند. به گزارش مهر به نقل از العهد، هادی قبیسی تحلیلگر سیاسی لبنان روز یکشنبه از تحركات مشکوک آمریکا در نزدیکی مرز عراق با سوریه خبر داد. وی اعلام کرد: این تحركات تعجب‌آور است. قبیسی

### ۹ شهر بی‌دفاع

از روایت دور نشویم تا بالای‌بالای پنجشیر هیچ خبری از جنگ نیست، مردم زیادی از اینجا رفته‌اند، شهرها آرام‌اند و مردم این منطقه که خیلی شبیه ایرانی‌ها هستند ترسیده‌اند. پیرمرد‌ها از جنگ خسته شده‌اند و بعضی‌ها می‌گویند سلاح را باید جلوی شوروی گرفت که کافر است، نه افغانستانی که برادر است، بعضی‌ها هم منتظرند که برف بیاید و می‌گویند اگر مقاومت چندماه‌ی طول بکشد و بقیه ژنرال‌ها با نیروهای‌شان به کمک بیایند کشور علیه طالبان متحد می‌شود، اتفاقی که نه آنقدر بعید است، نه آنقدر روشن و دقیق! به خاطر می‌آوریم که آن پسر بور توی مسیر گفت که پنجشیر قبلاً هم سقوط کرده است.

گذشته از اینها از چهار هلیکوپتری که گفته می‌شد احمدمسعود با خود به بازارک آورده بود سه تا بود و یکی نبود، همان هلیکوپتری که شایعات می‌گویند احمد را از کشور خارج کرده و احمد مسعود حالا در یک خانه امن در مشهد زندگی می‌کند.

استادیوم پنجشیر که به نام ژنرال فهیم نامگذاری‌شده حالا آشیانه هلیکوپترهاست و وسط آنها سه نفر از نیروهای طالبان دنبال یک توپ فوتبال به درد نخور می‌دوند و شوت می‌زنند؛ صحنه درست شبیه آن طالبی است که توی صندلی ماشین برقی شهربازی نشست‌ه و طالب دیگر با سلاح او را نشانه رفته است.

برای طالبانی که همه اینها را بازی می‌دانند و یک روزی به ورزش کردن هم به چشم کار نبوده نگاه می‌کرد بازی‌کردن فوتبال بیشتر از آن‌که تظهير به حساب بیاید مایه تعجب است.

وارد بازارک که می‌شوید پیر است از تاجیک‌های طالب! پیر است از کلا ه پکولی‌هایی که از طالب‌بودن فقط یک عنوان امارت اسلامی دارند، طالبان مقام ولایت پنجشیر را به دست تاجیک‌ها داده، تاجیک‌های مجاهدی که می‌گویند سال‌ها در کنار طالبان جنگیده‌اند، تاجیک‌هایی که یکی‌شان می‌گوید که در رکاب آمرصاحب (عنوانی که مردم افغانستان برای احمدشاه مسعود به کار می‌برند) سال‌های زیادی با شوروی جنگیده است و از این‌که توضیح بدهد در زمان نبرد با هزاره‌ها و طالبان کجا بوده سر باز می‌زند اما مخلص کلام او این است که به‌هرحال هنوز هم پنجشیر دست تاجیک مردم است، هرچند این تاجیک در خدمت امارت اسلامی است!

اگر می‌خواهید بدانید که این حرف چقدر مهم است بد نیست کمی در مورد پارادایم‌های با اهمیت نزد مردم افغانستان حرف بزنیم، پارادایم‌هایی که نشانه‌های فخر یا سرافکنندگی یا حتی اختلاف هستند.



## ۷ اینجا قبلاً هم سقوط کرده‌است

«عنابه» بزرگ‌ترین روستا در مسیر مرکز ولایت پنجشیر یعنی بازارک است. بزرگ‌ترین روستا که می‌گویم تصوراتان به روستاهایی که دیده‌اید نرود، یک مسیر بیلاقی است که دو طرف جاده را مغازه‌های تعطیل پر کرده‌اند و مردم بسیار کمی در آن زندگی می‌کنند. اصالتاً خود روستا هم خیلی کوچک است و جمعیت زیادی در آن زندگی نمی‌کنند. یک روح سرگردان در شهر سیال است و مردم موقع حرف زدن دور و اطرافشان را نگاه می‌کنند، چه طالبان باشد، چه نباشد و وقتی طالب باشد حرف‌شان را عوض می‌کنند. از طالبان خیلی می‌ترسند اما حرف‌های طالبانی‌ها را هم تایید می‌کنند که با مردم کاری نداشتند، زن و بچه‌ها در امان بودند و کسی را به زور بیرون نکردند. اما اصرار دارند خود وجود طالبان دلهره‌انگیز است و اگر شما هم خاطرات طالبان را در سرتان داشتید، فرار می‌کردید. البته مردم دارند کم‌کم برمی‌گردند و خیلی‌ها هم معتقدند به‌زودی مقاومت شروع می‌شود.

صاحب یکی از مغازه‌ها که تعمیرکار لاستیک خودروست و از قضا سال‌ها در همین جزیره قشم خودمان کار می‌کرده، می‌گوید که مردم اینجا سلاح نداشتند که دفاع کنند، می‌گوید زن و مرد به کوه فرار کرده‌اند و اینقدر ترسیده بودند که بعضی‌ها بدون برق رفتند. برق همان چادرهای آبی افغانی است. او می‌گوید چهره همسر برادرش را تا به حال ندیده بود و مجبور شدند همه با هم فرار کنند به کوه. من تعجب می‌کنم از مردی که ظاهر طالبانی ندارد و از این حرف می‌زند که همسر برادرش را تا به حال ندیده است. همین است که می‌گویم رفتار طالبان با زن‌ها در شهرها عجیب است، از مرز شهر که بیرون می‌روید این رفتار در بین بسیاری از اقوام افغانستان شاید حتی روال باشد.

از روایت دور نشویم. نوجوانی بور با موهایی که از زردی به سفیدی می‌زند و در یکی از بازارهای محلی اینجا کار می‌کند می‌گوید به‌زودی دوباره هسته‌های مقاومت شکل می‌گیرند، یک جمله عجیب هم می‌گوید: پنجشیر قبلاً هم سقوط کرده است.»

## ۸ یک طالبان سیاه و سفید

یک طالبانی اینجا هست که می‌گوید به خاطر کوپیدن در یک خانه سه روز بازداشت بوده و مجبور شده سلاح‌اش را تحویل بدهد. می‌گوید ما حق نداشتیم شب به در خانه کسی برویم، من در تعقیب کسی بودم و اشتباهی به خانه دیگری رفتم و «قومندان» (فرمانده) با من برخورد کرد.

یک نظم و ترتیب حال به هم زن در اینجا وجود دارد. اگر بدانید همین آدمی که در مورد او صحبت می‌کنیم از طالبان حقوق نمی‌گیرد و برای این‌که به خدمت طالبان بیاید یک گوسفند فروخته و راهی سفر شده چه فکری می‌کنید؟! فکر می‌کنید من دیوانه شده‌ام یا او؟! فکر می‌کنید کدام‌مان دروغ می‌گوییم؟! این ماجرا وقتی حال بهم زن‌تر می‌شود که همین محکوم که سه روز بی سلاح در یک خانه بوده از قومندان خود گلائی‌ای ندارد و می‌گوید حق با او بود، من نباید این کار را می‌کردم.

بیمارستانی توسط یک سازمان مردم‌نهاد ایتالیایی اینجا احداث شده است که مسوول آن یک زن اروپایی ۵۰ساله بی‌حجاب است. جالب این‌که ولسوالی (بخشدار) عنابه را به داخل راه نمی‌دهند و آن طالبانی مسلح برای این‌که از تشناب (دستشویی) بیمارستان استفاده کنند هربار سلاح‌اش را تحویل نگهبانی می‌دهد.

طالبان می‌گویند دنبال افرادی می‌گردد که به مزار احمدشاه مسعود هانث کرده‌اند و تا مقبره کاملاً بازسازی نشود، اجازه حضور کسی را در آن نمی‌دهند. حتی می‌گویند در برخوردهایی که در شهرهای مسیر اترناق افتاده و تابلوی عکس‌های شهدا را خراب کرده‌اند هم تعمد سازمانی نبوده و معاون والی پنجشیر می‌گوید در جنگ همه جور آدمی هست. ممکن است در افراد طالبان هم آدم بی فرهنگ باشد اما این مربوط به همه نیست و دستوری از بالا برای برخورد با هتک حرمت‌کننده‌هاست. می‌گوید حتی ما فیر (شلیک) شادی را هم ممنوع کردیم، شما می‌بینید بعد از آن اتفاق فتح پنجشیر هیچ صدای شلیکی در شهر شنیده نمی‌شود.

حتی در مورد «فهیم دشتی» و کشته‌شدن او هم می‌گویند ما نمی‌دانیم، محکم می‌گوید که کار ما نبوده و اختلافی است که در بزرگان پنجشیری بود، با احترام از فهیم دشتی یاد می‌کنند و می‌گویند روزنامه‌نگار بزرگی بوده و به خاطر این‌که تمام اخبار حول محور احمد مسعود بوده یک گروه از ژنرال‌های پنجشیری (یخوانی ژنرال جرات) خودشان تصمیم گرفته‌اند که بازوی رسانه‌ای او را حذف کنند.

در مورد حمله هواپیماهای پاکستانی هم نه اثری است و نه کسی ادعا می‌کند که صدای هواپیما شنیده، خود طالبان مستقر در پنجشیر که از قضا پشتون هم نیستند و از اهالی ازبک و تاجیک هستند می‌گویند ما هم از مردم پاکستان بهتر می‌جنگیم، هم با غیرت تریم، هم به اندازه کافی سلاح داریم، به هیچ کشوری هم اجازه نمی‌دهیم که خون یک افغانستانی را بریزد، حتی اگر آن کشور دوست ما باشد یا آن افغانستانی دشمن ما باشد. باورکردن این حرف‌ها برای ما هم خیلی سخت است اما در و پیکر سالم مقام ولایت یک چیزی را شهادت می‌دهد، حرف آنها در مورد این‌که مقاومت زیادی صورت نگرفته درست به نظر می‌رسد و مردمی که می‌گویند در خود پنجشیر هم خیانت صورت گرفته یک حرف محتملی به نظر می‌رسد.

طالبان می‌گویند برای حمله به پنجشیر از هر ولایت یا نصد سرباز خواسته و تمام این افراد از دو طرف به پنجشیر حمله می‌کنند، احمد مسعود و نیروهایش که در ورودی پنجشیر نمی‌توانند مقاومت کنند با تله‌گذاری سرعت طالبان را کند می‌کنند و به عقب می‌روند و در پایان دره با طالبانی که از شمال به این دره آمده بودند درگیر

### ۱۰ این جمله‌های حیاتی

به اصل روایت برگردیم، تا بالای دره پنجشیر می‌رویم و مزار آمرصاحب را از دور می‌بینیم که طالبان که فهمیده مردم اینجا روی تخریب آن از بقیه اتفاقات حساس‌تر هستند به شکل عجیبی دارد از آن دفاع و به قول امروزی‌ها صیانت می‌کند. چیزی که روشن است این‌که طالبانی که از شمال آمده به طالبانی که از جنوب آمده در نقطه‌ای روی جاده دست داده و درگیری‌ها و پاکسازی‌ها در حوالی کوهستان و جایی دورتر از جاده است. شهرها در امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ اثری از جنگ نیست، به‌جز طالبانی که همه جا دیده می‌شود و ماشین‌های استخباراتی، نظامی و تبلیغاتی‌شان همین‌طور جاده را بالا و پایین می‌روند.

طالبان می‌گویند پنجشیری‌ها در دسته‌های ۲۰- ۱۵ نفره می‌آیند و تسلیم می‌شوند، امان می‌گیرند و می‌روند. چیزی که ما خودمان به چشم ندیدیم اما مردم می‌گویند مقاومت قرار است برای زمستان سخت و استخوان‌شکن پنجشیر صبر کنند. شاید تا آن روز سلاح رسید، فرماندهان دیگر اضافه شدند یا هر اتفاق دیگری که ورق را برگرداند. فقط از پنجشیر و چند روستایی که در این دره افسانه‌ای جا خوش کرده‌اند این جمله‌های کوتاه حیاتی به نظر می‌رسند که مردم زیادی رفته‌اند، صدای گلوله شنیده نمی‌شود، طالبان روی جاده و روستاها مسلط است، حتی شب‌ها با خیال آسوده چراغ روشن می‌کنند، مردم کم‌کم در حال بازگشت هستند، حتی توی کوه‌های نزدیک جاده هم اثری از کمین، قناسه‌چی یا تیرانداز مقاومت نیست، طالبانی‌ها با یک نظم شک‌برانگیزی به مردم احترام می‌گذارند تا حدی که برای خریدها و خدمات کوچک خود هم پول می‌دهند. مردم خسته و نگرانند و ترسیده‌اند و بعضی‌ها که تنها چمی‌تر هستند از ابراز این‌که اگر روزی مقاومت شکل بگیرد به آن می‌پیوندند هیچ ابایی ندارند و از همه مهم‌تر این‌که اثری از احمد مسعود نیست و این شایعات را در خصوص این‌که به ایران یا تاجیکستان رفته تقویت می‌کند.

## ۱۱ قومیت، زبان و مذهب

مردم افغانستان از سه نظر به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند؛ اولی قومیت است و دومی مذهب و سومی زبان که دومی به سومی بسیار کم‌رنگ‌تر از اولی است. شاهد مثال آن هم اختلاف بین دو قوم تاجیک و هزاره است که هر دو فارسی‌زبانند و اختلاف‌ها بین اهل تسنن که همه در افغانستان حنبلی هستند اما آب‌شان توی یک جوی نمی‌رود.

مواردی هم از اختلافات درون قومی وجود دارد اما یک چیزی که نمی‌شود از آن عبور کرد این است که قومیت مهم‌ترین چسب بین مردم است. آنها شاید خیلی خوشحال نشوند وقتی از مذهب‌شان می‌پرسید. شاید حتی خیلی نمادهای مذهبی را

همراه‌شان حمل نکنند اما وقتی می‌پرسی که مربوط به کدام قومیت هستند خیلی باافتخار از قومیت‌شان می‌گویند. حالا می‌خواهد این قومیت مربوط به هزاره‌های مظلوم باشد، تاجیک‌های مغرور باشد یا پشتون‌های تمامیت‌خواه! افغانستانی‌ها را حتی می‌توان از روی ظاهر شناخت! تاجیک‌ها یک جوری شبیه پشتون‌ها هستند، با این تفاوت که فارسی را روان‌تر حرف می‌زنند و پکول روی سر و ظاهری مرتب‌تر دارند. در مقابل پشتون‌ها کلاه مخصوص خودشان را دارند. معمولاً کمتر به ظاهر خودشان می‌رسند و فارسی را جوری صحبت می‌کنند که اگر دقت نکنید فهمیدن آن کمی سخت است. گذشته از این‌ها شما در این روزها می‌بینید که اعتراض به تشکیل دولت تمام طالبانی در افغانستان این روزها خیلی رنگ و بوی دینی ندارد و بیش از این‌که مثلاً حقوق شیعیان یا زبان رسمی کشور دغدغه کف خیابان باشد، مردم دارند در مورد قومیت خود صحبت می‌کنند که سهمی توی کابینه دارند یا ندارند و این مسائل بیشتر در سوالات خبرنگاران یا تعداد کمی از نخبگان است.

شاید به همین دلیل است که طالبان برای این منطقه سوق الجیشی یک والی و چند ولسوال و تعدادی قشون محلی تدارک دیده و با ارسال کمک‌های بشردوستانه خارجی به این منطقه سعی در بازگرداندن مردم کوچ‌کرده از اینجا دارند. آنها سعی می‌کنند مردم را به خانه‌هایشان برگردانند تا بر آنها حکومت کنند و به نظر می‌رسد قصد دارند با این رفتارها به همین مردم رفته ثابت کنند که آن طالبان قبلی دیگر وجود خارجی ندارد و هرکسی را هم قومی خودش اداره می‌کند، هرچند، کابینه چیز دیگری می‌گوید.

### ژنرال‌های قدیمی افغانستان

«آمریکا به ما خیانت کرد. قیمت زندگی را بالا برد اما حالا که رفته «پیس» (پول) توی جیب کسی نیست. ما مزه حلاویی را چشیدیم که مال ما نبود. الان با نان خالی خودمان سیر نمی‌شویم. مردمی که فکر می‌کنند در طبقه متوسط زندگی می‌کنند سلاح دست نمی‌گیرند. مدیر کافه‌ای که این‌ها را به خبرنگار غریبه می‌گوید، انگار دارد رمز عبور کشورش را لو می‌دهد.

راست می‌گوید، کشوری که بیشتر از هر کشور دیگر در دنیا بازبگر نقش‌آفرین داشت حالا با مردمی مواجه است که نه به آینده امید دارند، نه از گذشته چیزی برایشان مانده است. این قدر دزدی و غارت در دوران اشرف غنی آپیدمی بود که مردمی که حتی به طالبان فحش می‌دهند هم حاضر نیستند دوران گذشته را تایید کنند.

بله، ژنرال‌های قدیمی افغانستان تن‌شان را با آب‌گرم شسته‌اند و این غم‌انگیزترین جمله‌ای بود که ما در این سفر کوتاه به پررمزورازترین نقطه جهان شنیدیم. آمریکا و دولت متبوعش از مردم جنگجویانی بی‌سلاح ساخته‌اند که هیچ چیز جز گذشته تلخ و غیرقابل اتکا، حال مبهم و غیرقابل باور و آینده‌ای نامعلوم و غیرقابل پیش‌بینی ندارند و به‌زودی همه خواهند فهمید که آخرین امید بعضی از مردم یعنی مقاومتان دره پنجشیر بیش از این‌که وسط میدان بجنگند توی اینستاگرام و فیسبوک مقاومت کرده‌اند و حالا تمام سرمایه‌های اعتماد مردم از بیرون مرزها دستور حمله صادر می‌کنند. برای همین است که از ولایت‌ها خبری می‌رسد همه دارند می‌روند و سلاح‌های خود را تحویل می‌دهند و از عفو عمومی استفاده می‌کنند. مردم افغانستان انگار روی یک پل ایستاده‌اند که نمی‌دانند متعلق به مبدا هستند یا مقصد. مردم حتی نمی‌دانند که سرنوشت درست‌شان کدام طرف زندگی می‌کند. مردم افغانستان فقط یک چیز می‌دانند؛ این‌که از جنگ خسته شده‌اند. برای همین روی خیلی از دیوارها نوشته برای خدا جنگ بس است.